

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۳۸۴-۲۷۸۳

- بررسی انتقادی رابطه متن و تصویر در مجموعه یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی
- بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در داستان‌های ماهی سیاه کوچولو و موش مترو بر مبنای نظریه انتخاب کلاسر
- بررسی تطبیقی ماجراهای پری دریایی و بازگشت مرداد بر اساس رویکرد بیلتنت
- بررسی فرهنگ عامه در اسلحه‌های کودکانه ایرانی
- بررسی عنصر خاک در شعر کودک و بازتاب جلوه‌های متاکرایانه آن (با رویکرد به اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست)
- بررسی کهن الگوی سفر قهرمان در تیمیشتن دختر دلیر
- بررسی نگاه جنسیتی در داستان‌های کودکان با تکیه بر مجلات رشد نوآموز دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵
- بررسی و تحلیل محتوای از روزهای سادگی اثر عرفان نظر آهاری
- تحلیل روابط متن و تصویر در کتاب‌های تصویری فریده خلعتبری
- تحلیل کارایی اقتصادی آثار فرهنگی و ادبی برای ارتقاء به کودکان و نوجوانان
- ویژگی سبکی نوشته برای کودکان در دوره مشروطه
- سونات تودیع نقد کهن الگویی از عاشقانه‌های بونس در شکم ماهی نوشته جمشید خانیان

بررسی نگاه جنسیتی در داستان‌های کودکان با تکیه بر مجلات رشد نوآموز دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵

زهرا رحمانی مقدم^۱ و مهلاسادات حسینی صابر^۲

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. گرایش ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ایران
۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه باهنر. کرمان. ایران

چکیده

ادبیات کودک و نوجوان زاینده نیاز فطری بشر است و به گونه‌های مختلف در طول تاریخ وجود داشته است؛ به تعبیری از روزهای آغازین دوران جنینی همراه با نچوهای مادر با فرزند درونش ادبیات کودک نیز شکل می‌گیرد. این نوع ادبی باید به تربیت نسل‌های آینده آنچنانکه نه جبری باشد و سرشار از آموزش و نه رهایافته و منفعل بپردازد، بلکه باید به نیازهای لذت و آموزش غیررسمی توامان پاسخ دهد. در دهه‌های اخیر این لزوم توجه به کودک و نوجوان افزایش یافته است و کتاب‌ها و مجلات مستقلی برای این گروه‌های سنی منتشر می‌شوند. آنچه مسلم است این است که این آثار از پرداخت به کلیشه‌های سنتی جدا نبوده‌اند. یکی از انواع مستقل این نشریات، مجلات و ماهنامه‌های آموزشی رشد هستند که تحت نظارت آموزش و پرورش و به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین منبع مطالعه غیردرسی در اختیار کودک و نوجوان قرار می‌گیرد. ما در این پژوهش قصد داریم با بررسی پانزده ساله داستان‌های مجلات رشد نوآموز سیر تأثیر و تأثر نویسندگان زن و مرد را از کلیشه‌ها و باورهای سنتی بررسی کرده و آسیب‌های احتمالی و پیشنهادهای ضمنی را پیش رو آوریم. در این پژوهش آن دسته از داستان‌های مجلات که با عنوان قصه یا داستان بودند، انتخاب شده و از حیث پرداخت به کلیشه‌های جنسیتی و جنسیت نویسندگان مورد بررسی قرار گرفتند. تلاش ما بر این بود که با بررسی آماری این مجلات به فرضیات موجود دست یافته و راه حل‌هایی برای تقلیل کلیشه‌های سنتی ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: نقش‌آموزی، کودک، جنسیت، مغز، فرهنگ، اجتماع، کلیشه.

مقدمه

کودکان از بدو تولد خواه ناخواه در معرض بایدها و نبایدهای مستقیم و غیرمستقیم جنسیتی قرار می‌گیرند که سیر اجتماعی شدن آن‌ها را برای نقش‌های آینده در بزرگسالی شکل می‌دهد، این بایدها و نبایدها می‌توانند مثبت یا منفی باشند که در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودکان تأثیر به‌سزایی دارند. از این منظر نقش ادبیات درخور توجه است و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار قابل بررسی است. از مسیر بررسی داستان‌های کودکان می‌توان به دنیای کودکان‌های دست یافت که نویسندگان در اختیار آنان می‌گذارند. گاه این داستان‌ها خواسته یا ناخواسته کلیشه‌های تبعیض جنسیتی را با خود حمل می‌کنند. از این جهت می‌توان نگاه‌های جنسیتی را در داستان‌ها تعریف و دسته‌بندی و آسیب‌های اجتماعی این نوع نگاه را تحلیل کرد؛ همچنین میزان هنجارگریزی‌های نویسندگان از این کلیشه‌های تبعیض جنسیتی نیز قابل تأمل است. نهاد خانواده اولین نهاد غیررسمی آموزش و پرورش کودک است. در این نهاد هر خانواده به شیوه‌ای عمل می‌کند، خواه درست یا نادرست؛ ابتدایی‌ترین عوامل تربیتی در کودک پایه‌ریزی می‌شود و این

تربیت با آغاز دوران مدرسه و تحت آموزش رسمی ادامه می‌یابد. این آموزش‌ها می‌توانند آنچه در خانواده به کودک آموخته شده است، تقضیل یا تقلیل دهند یا اصلاً آموزش‌های جدیدی جایگزین کنند که کودک تاکنون با آن روبه‌رو نشده است. اهمیت آموزش و پرورش رسمی از آن جهت است که چارچوب‌ها و کلیشه‌هایی را در قالب بایدها و نبایدهایی ارائه می‌دهد و یک سمت‌وسوی مشخصی برای هردو جنس زن و مرد مشخص می‌کند. البته لزوماً همه افراد تحت تأثیر این کلیشه‌ها قرار نمی‌گیرند، اما مجموعاً این آموزش‌ها به آنچه ابتدا به شکل زیستی در کودک وجود دارد و بعد به شکل آموزشی به او تزریق می‌شود، کمک می‌کنند. تفاوت ادبیات کودک با انواع دیگر آن به‌عنوان جریانی جدید در عرصه آموزش، ادبیات و هنر سبب شد تا عده‌ای آن را هنر شمرده، گروهی آن را ابزار آموزشی دانسته، عده‌ای دیگر آن را روشی برای انتقال مفاهیم تاریخی و فرهنگی به‌حساب آورده‌اند و گروهی نیز به آن از منظر زیبایی‌شناسی ادبی نگریسته‌اند (جلالی، ۱۳۹۵: ۶۷). خواهان ادبیاتی هستیم که همه این موارد را دربرگیرد، به گونه‌ای که ایجاد دلزدگی نکند و مخاطب را به شکل مستقیم درگیر ننماید.

محمدهادی محمدی چهار محور را برای تعریف ادبیات کودک معرفی می‌کند: ۱- محور ساختاری ۲- محور ارتباط‌شناسی ۳- محور زیبایی‌شناسی ۴- تأثیر شناخت‌شناسی

او این‌طور بیان می‌دارد که ادبیات کودکان عبارت از هرگونه متنی است که برای کودکان آفریده شده باشد، خواه به شکل ارادی یا غیرارادی (محور ساختاری) و آن متن قابلیت ارتباط کودک با خودش را داشته باشد (محور ارتباط‌شناسی) و بتواند احساسات و عواطف او را برانگیزاند و لذت زیبایی‌شناختی را در او بیدار کند (محور زیبایی‌شناسی) و تأثیرات خاص روحی و روانی روی کودک بگذارد و سبب رشد شناختی او شود (تأثیر شناخت‌شناسی) (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۳).

چارچوب نظری پژوهش

ما در باب مسئله نقش‌آموزی جنسی کودکان با چند رویکرد تربیتی مواجه هستیم: رویکرد اول دیدگاه اول ریش‌گرا (قائل به مسئله اصل فطرت انسانی) رویکرد دوم دیدگاه رفتارگرا (قائل به القائات بیرونی صرف) و رویکرد سوم دیدگاه شناخت‌گرا (قائل به اصل هم‌زمان طبیعت فطرت و القائات بیرونی) با توجه آنچه ما در بخش نتیجه‌گیری به آن دست یافتیم بهترین روش دیدگاه شناخت‌گرا است که هم معتقد به اصل رعایت طبیعت فطری کودک است و هم آنچه از بیرون به او منتقل می‌شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی به مسئله جنسیت و تبعیض جنسی در ادبیات پرداخته‌اند و در ادبیات کودک نیز پژوهش‌هایی در باب جنسیت در کتاب‌های درسی کودکان و مجلات آن‌ها صورت گرفته است. شکوه حاجی نصرالله در مقاله «جنسیت برای کودک ایرانی» با تعریف مفهوم جنسیت به چگونگی الگویابی جنسیتی کودک و نوجوان می‌پردازد و سرانجام جنسیت را در ادبیات کودکان و نوجوانان و کتاب‌های فارسی دبستان مورد بررسی قرار می‌دهد. مصطفی آب روشن و صدیقه احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی دوره پنج ساله ابتدایی (۱۳۹۱)» با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به کشف و انتزاع موضوع تبعیض جنسی می‌پردازد که چگونه آموزش و پرورش این کلیشه‌ها را بازتولید و عادی سازی می‌کند. نجمه بهمدی مقدس در مقاله «بررسی جنسیت در شعر کودک و نوجوان از منظر جامعه‌شناسی بدن» به بررسی نقش‌های کلیشه‌ای جنسی و نیز تفاوت‌های جامعه‌شناختی آن‌ها در نمایش «بدن آرمانی» و «بدن مطلوب» منطبق با الگوی فرهنگی در شعر فارسی کودک و نوجوان می‌پردازد که در نتیجه به الگوی فرهنگی سنتی دست می‌یابد. علیرضا اسلام در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی جنسیت در داستان نامه‌هایی به آقا غوله» (۱۳۹۲) به تحلیل و تبیین جنسیت و جامعه‌پذیری جنسیتی می‌پردازد و شخصیت‌ها را از نظر ویژگی‌های زبانی و رفتاری، نمادها و موقعیت‌های خلق شده مورد بررسی قرار می‌دهد. حسین بستان در مقاله «جنسیت در آموزش و پرورش از دیدگاه‌شناسی اسلامی» به بررسی عوامل و پیامدهای بروز جنسیت در آموزش و پرورش رسمی با رویکرد جامعه‌شناسی اسلامی

می‌پردازد. سوده مقصودی و سمیرا تندولی در مقاله «جنسیت و نقش اجتماعی در مجلات کودکان» به شناسایی و مقایسه نقش‌های زن و مرد در مجلات کودکان می‌پردازد، داود حسینی نسب در مقاله «نقش‌آموزی جنسیت و تفاوت‌های جنسیت در کودکان» به نموده‌ها و شیوه‌های متفاوت نقش‌آموزی دختران و پسران در دوران کودکی می‌پردازد.

ضرورت و اهمیت پرداختن به جنسیت در ادبیات کودکان

گرچه از نظر فرهنگی ما با دو مدل مرد و زن روبه‌رو هستیم، اما این تفکیک به آن معنی نیست که در تمامی فرهنگ‌ها انتظارات یکسانی از دو جنس زن و مرد وجود دارد، بلکه بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی دارای منشأ زیست‌شناختی نیستند، چراکه محیط اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت‌دهی به افکار و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارد (شاه‌آبادی و سلیمانی، به نقل از سفیری و منصوریان، ۱۳۹۸: ۳۸)، بنابراین چگونگی رابطه جنس با جنسیت نیز از دیدگاه‌های مختلف تفاوت‌های بسیاری دارد (هولمز، ۱۳۸۷: ۴۹). درواقع جنسیت از یک سو ما را وادار می‌سازد که رفتار خاصی از خود نشان دهیم و از سوی دیگر به ما می‌گوید که این رفتار چه قضاوتی از ما نزد دیگران بر جای می‌گذارد (همان). کودکان جامعه‌سازان آینده هستند، لذا نباید به حال خود رها شده تا در ورطه هجوم انواع و اقسام دستوره‌های رفتاری از جانب محیط گرفتار شده و گمراه شوند. آنان به چراغ راهی احتیاج دارند که به نیازهای آنان پاسخ داده و در انتخاب مسیر یاری رسانشان باشد. ضرورت و اهمیت شناخت کلیشه‌های جنسیتی و بررسی آن‌ها در جامعه به‌خاطر آثار زبان‌بار کلیشه‌ها در جامعه است. ازجمله این آثار تبعیض میان جنس‌ها است. این کلیشه‌ها بر زنان و مردان و البته بر زنان بیشتر تأثیر منفی می‌گذارند، چون آنان به‌عنوان جنس ضعیف و فرودست مطرح می‌شوند و از آن‌ها به‌عنوان انسان‌هایی برخوردار از حقوق کامل به رسمیت شناخته نمی‌شوند و از شکوفایی تام توانایی‌های آنان جلوگیری می‌شود و از طرف دیگر این کلیشه‌ها مردان را هرچه بیشتر به سمت خشونت، پرخاشگری، بی‌اعتنایی و بی‌احساسی پیش می‌برند (میشل، ۱۳۷۶، به نقل از حسینی و دشتی، ۱۳۹۱: ۳۱-۳۰).

«ازجمله مهم‌ترین ویژگی کتاب‌های داستانی، آموزش غیرمستقیم آن‌هاست. اینگونه کتاب‌ها با ارائه نقش‌های گوناگون در قالب قصه، الگوهای رفتاری هر جنس را آموزش می‌دهند؛ از این رو شیوه معرفی و پردازش نقش زنان و مردان در آن‌ها اهمیت خاصی دارد. کودک از طریق مطالعه این کتاب‌ها می‌آموزد، چه اعمالی مردانه و یا زنانه است و او به‌عنوان یک زن یا مرد چگونه باید نقش خود را در جامعه ایفا کند، همچنین قصه و داستان این امتیاز را دارد که قدرت تخیل کودکان و نوجوانان را افزایش داده و در نتیجه خلاقیت و نوآوری را در آنان شکوفا نموده و آنان را برای ایفای نقش‌های مناسب با این ویژگی‌ها آماده می‌سازد» (مقصودی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۲). «داستان‌های کودکان و نوجوانان باید آن‌ها را با ارزش‌های زندگی آشنا سازند تا خود و دیگران را دوست داشته باشند و به همه موجودات احترام بگذارند. به آن‌ها بگویند هیچ فرقی میان انسان‌ها نیست. هیچ انسانی به‌سبب موقعیت اجتماعی، نژاد، رنگ، مذهب و جنسیت ... بر دیگری برتری ندارد؛ همچنین باید با آشنایی‌زدایی از موقعیت‌های ایجاد شده برای مخاطبان پرسش ایجاد کند. آن‌ها را به فکر وادارد و با بسط و گسترش تخیل مخاطب او را برای درک دگرگونی‌های زندگی آماده سازد» (حاجی نصراله، ۱۳۸۰: ۷۴).

«داستان‌ها به دلایلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند زیرا:

۱. برخلاف کتاب‌های آموزش رسمی، کودکان و نوجوانان را مستقیماً هدف گفته‌های خود قرار نمی‌دهند، بلکه درصدد پاسخگویی به تمایزهای گوناگون خوانندگان خود به‌طور غیرمستقیم‌اند؛ درنتیجه میزان تأثیر آن‌ها بر کودکان و نوجوان بسیار بیشتر است.
۲. داستان‌ها قدرت تخیل کودک و نوجوان را افزایش می‌دهند.
۳. منعکس‌کننده ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی‌اند» (مقصودی، سوده و تندولی، سمیرا، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

کلیشه‌سازی جنسیت

یکی از مسائل اساسی که در خلال داستان‌ها به چشم می‌خورد، بی‌توجهی و عدم حضور پدر در بسیاری از موقعیت‌های زندگی فرزندان است، هرگاه کودک گم می‌شود، کسی یا چیزی او را اذیت می‌کند، کمک می‌خواهد و ... تنها حضور مادر در قصه‌ها به چشم می‌خورد و خبری یا سراغی از پدر نمی‌گیرند؛ لذا به‌نظر می‌آید حضور مادر بیش از حد نیاز پررنگ شده است. شاید بتوان گفت در مجموع اصلی‌ترین شخصیت قصه‌ها مادر است، مادر همواره مهربانی می‌کند، از فرزندان نگهداری می‌کند و برایشان غذا می‌پزد، این تصویر ثابتی است که از مادر یا نقش زن داریم، اما نقش‌های دختر و پسر گاهی تغییراتی داشته‌اند، مثلاً گاهی پسران حسود هستند و گاهی دختران، گاهی پسران بی‌نظم و فراموشکار هستند و گاهی دختران، گاهی پسران بی‌ادب هستند و گاهی دختران و ...

بررسی طرحواره‌های جنسیتی

نویسندگان زن و مرد هرکدام خالق شخصیت‌هایی از هردو جنس هستند، نکتهٔ درخور توجه نوع رویکرد آنان به جنس مخالف است. آنچه اغلب به چشم می‌خورد، زنان بیشتر از مردان به جنس مخالف رویکرد منفی داشته‌اند، در اکثر موارد شخصیت‌های جنس مذکری که زنان خلق کردند، ویژگی‌های منفی دارند و شخصیت‌های مؤنثی که مردان خلق کرده‌اند، صاحب کلیشه‌های جنسیتی و به‌ندرت دارای خصایص منفی هستند.

طرحواره‌های زنانه

خانه‌داری- تربیت فرزند

- نام داستان: قفلی سبزک کود می‌سازد

خلاصهٔ داستان: قفلی سبزک وسط زمین و آسمان پرواز می‌کرد، از بزرگراهی می‌گذشت که دو طرف آن پر از درخت بود، قفلی خیلی خوشحال بود چون از بالا همه‌جا سبز بود، اما ناگهان چشمش به یک کامیون مخصوص حمل زباله افتاد که همین‌طور که پیش می‌رفت خطی از خرده‌های غذا و قطره‌های آب گندیده جا می‌گذاشت، قفلی با دیدن این صحنه سرش گیج رفت و داخل کامیون افتاد، آنجا دید که همه‌چیز زباله‌ای مثل قوطی، کاغذ، غذا و ... داخل زباله‌است، پرید و خط خرده‌های غذا و آب گندیده را دنبال کرد و از کوچه‌ها گذشت تا اینکه به نازنین رسید، دید که نازنین دارد باقیماندهٔ غذاها را روی کاغذ می‌ریزد و زباله‌های خشک و تر را جدا نمی‌کند، او به نازنین یاد داد که چگونه تفکیک زباله کند و با خرده‌های غذا کود درست کند (راستانی، ۱۳۸۰، نوآموز ۳، ش ۱۵۷: ۵).

بررسی: نویسندهٔ زن از شخصیت دخترچه استفاده کرده برای بیان عدم توجه به محیط زیست، اما این شخصیت‌پردازی زنانه یا دخترانه در راستای همان کلیشه‌های همیشگی است که کارهای خانه بر عهدهٔ دختر و مادر خانواده است.

- نام داستان: خانم دیو، ملاقه و دیگ

خلاصهٔ داستان: یک خانم دیو بود که عاشق دیگ و ملاقه بود. شب‌ها که آدم‌ها می‌خوابیدند، می‌آمد دیگ و ملاقه‌هایشان را با خودش می‌برد. آن‌ها تصمیم گرفتند که بروند سراغ دیو و وسایلشان را پس بگیرند، اما وقتی که از کوه بالا رفتند و به قصر دیو در ابر سوم رسیدند، دیدند که آنجا یک عالم دیگ و ملاقه است که بچه دیوها با آن بازی می‌کنند. آن‌ها دلشان به حال خانم دیو سوخت، وقتی خانم دیو از خواب پرید، دید که آسمان پر بود از تبل و دهل. فردا صبح آدم‌ها که از خواب بیدار شدند، دیدند دیگ‌ها و ملاقه‌هایشان سر جایش است ... (جعفری، ۱۳۸۸، رشد نوآموز ۶، ش ۲۲۷: ۵).

بررسی: طبق معمول مادر مشغول تربیت فرزند است و حتی برای تهیهٔ اسباب سرگمی بچه دیوها نیز خود خانم دیو به خانه‌ها

می‌آید و خبری از آقای دیو نیست. ابزاری هم که نویسنده خانم برای دیو مادر انتخاب می‌کند (دیگ و ملاقه) زنانه است.

- نام داستانک: من مشق ننوشتم

خلاصه داستان: ماجرای درست کردن ترشی مامان که دخترش از خرد کردن هویج‌ها و کلم‌ها لذت می‌برد و سراغ درس‌هایش نمی‌رود (حدادی، ۱۳۸۹، نوآموز ۳، ش ۲۳۲: ۳).

- نام داستان: دومی

خلاصه داستان: مامان پرده آشپزخانه را باز کرد، به گیره افتاد پایین. مارمولک خانم می‌خواست که آن را کالسکه بچه‌اش کند و مورچه هم می‌خواست که گاری نانش باشد. ضربه‌ای به سوسکه خورد، آن وقت کالسکه آمبولانس سوسک شد و سوسک هم فکر می‌کرد که آن یک صندلی است (مرادی لاکه، ۱۳۹۴، نوآموز ۸، ش ۲۷۰: ۱۵).

بررسی: نویسنده خانم فضایی که برای قصه‌اش انتخاب کرده است آشپزخانه و با حضور دو مادر است، یک مادر انسانی و یک مادر حیوانی؛ مادر انسانی مشغول رفت‌و‌رو است و مادر حیوانی هم به فکر بچه‌اش است. این تصویری که اکثر مواقع از مادران ساخته می‌شود.

اخلاق و هم نوع دوستی

- نام داستان: انتخاب نیم‌وجبی چه درست بود

خلاصه داستان: نیم‌وجبی به‌تازگی هم‌کلاسی جدیدی به نام آلمان پیدا کرده است. آلمان و خانواده‌اش به‌علت شغل پدرش از یکی از شهرهای شمالی ایران به تهران آمده است، او لهجه شیرینی دارد، اما بچه‌ها او را به‌خاطر لهجه‌اش مسخره می‌کنند، به همین دلیل آلمان گوشه‌گیر می‌شود، اما یک روز خانم معلم به بچه‌ها می‌گوید که باید یک نمایش اجرا کنند و بهترین نمایش به منطقه می‌رود. نمایشنامه نیم‌وجبی انتخاب و اجرا می‌شود، بعد از اجرای نمایش بچه‌ها حساسی آن‌ها را تشویق کردند، در این نمایش آلمان نقش یک خانم روستایی را داشت که با لهجه شیرینی صحبت می‌کرد و این نقش باعث انتخاب شدن آن‌ها شد. آلمان و نیم‌وجبی از همدیگر تشکر کردند (امیر ابراهیمی، ۱۳۸۲، نوآموز ۳، ش ۱۷۳: ۵).

بررسی: شخصیت نیم‌وجبی به‌عنوان یک شخصیت الگوی دختر در شمارگانی از مجله ارائه می‌شود. نیم‌وجبی همواره به فکر دیگران است و در ارتباط با دیگران همیشه مهر و عطف، انصاف و ادب به خرج می‌دهد. خالق این شخصیت یک نویسنده با جنسیت مؤنث است.

ترس

- نام داستان: جاده مهربان

خلاصه داستان: خانم مارمولک می‌خواست به دیدن دخترش برود، اما تا می‌خواست از جاده رد شود، هربار یک ماشین می‌آمد و او می‌ترسید و عقب می‌رفت و تا صبح همان‌جا نشست. جاده دلش به حال او سوخت، فریاد زد خانم مارمولکه! آن وقت همه ماشین‌ها ریختند ته جاده و مارمولک با خیال راحت از جاده گذشت (خداجو، ۱۳۸۹، نوآموز ۵، ش ۲۳۴: ۴).

بررسی: مارمولکی که قصد دیدار دخترش را دارد، یک خانم مارمولک است که آنقدر ترسو است که ساعت‌ها در جاده می‌نشیند. علاوه بر این دلتنگی او نیز به‌عنوان مادر مدنظر است.

پایبندی به مسائل مذهبی

- نام داستان: گناه دارد

خلاصه داستان: کودکی سربه‌سر مورچه‌ها و گربه می‌گذارد و مادرش او را دائماً از این کار منع می‌کند و از لفظ گناه دارد استفاده

می‌کند. مادر از خداوند و پیامبران و امامان یاد می‌کند که کارهای خوب و بد را به ما یاد می‌دهند و اینکه این‌کار از نظر ایشان ناپسند است. کودک در تصویر یک پسر بچه است (متولی، ۱۳۹۰، نوآموز ۱، ش ۲۳۸: ۳).

بررسی: نویسنده مرد شخصیت موعظه‌گر زبانه خلق کرده است، مادر در خانه و مشغول تربیت فرزندان است، به مسائل مذهبی و اخلاق اهمیت می‌دهد و از خدا و پیامبر و امامان یاد می‌کند. این در حالی است که شخصیت خطاکار داستان یک پسر بچه است و نه دختر بچه.

- نام داستان: بهتر از هزار شب

خلاصه داستان: روشنگ ستاره‌ای در آسمان است که ستاره‌های نورانی و کوچک روی زمین توجه او را جلب می‌کند. او تصمیم می‌گیرد که به زمین بیاید و ستاره‌اش را ببیند، او از شهاب درباره زمین پرسید و روزها و ساعت‌های زیادی را در راه بود تا اینکه یک شب دید فرشته‌ها با عجله بین زمین و آسمان در رفت و آمد بودند. روشنگ علتش را پرسید و فرشته گفت که امشب زمین پر از ستاره است، امشب شبی است که برتر از هزار شب است و نامش شب قدر است (ماهوتی، ۱۳۸۳، نوآموز ۲، ش ۱۸۱: ۸).

بررسی: نویسنده زن به مسائل مذهبی و اهمیت آن برای شخصیتی با جنسیت دختر می‌پردازد.

خیاطی، بافندگی

- نام داستان: همان کفش‌دوزک همیشگی

خلاصه داستان: خاله عنکبوت تور بزرگ و محکم و قشنگی بافته بود. او با تورش همه حشرات را به دام می‌انداخت. روزی باد تور او را خال خالی کرد. همه حیوانات از تور زیبای او خوششان آمده بود. وقتی کفش‌دوزک از خواب بیدار شد دید که خال‌هایش روی تور عنکبوت هستند. او هرچه به عنکبوت گفت، خال‌های او را پس نداد، تا اینکه عنکبوت از گرسنگی حسابی از حال رفت. سنجاب به او گفت: تور تو باید ساده باشد تا بتوانی حیوانات را شکار کنی (کلهر، ۱۳۸۴، نوآموز ۳، ش ۱۹۱: ۱۰).

حسادت

- نام داستان: هیس

خلاصه داستان: سحر پرده اتاق را کنار می‌زند و می‌بیند که مادر بزرگش و خاله نرگس کنار داداش کوچولویش نشسته‌اند و می‌گویند: چه دسته گلی، ماه تو آسمان است. مادرش هم می‌گوید اما اگر بیدار شود و گریه کند دیگر هیچ‌کدام از این‌ها نیست؛ برای همین سحر آرزو می‌کند که داداش کوچولو بیدار شود. او دلش می‌خواهد همه ماشین‌ها بوق بزنند؛ از پیشی و کلاغ هم کمک می‌گیرد، اما آن‌ها کمک نمی‌کنند، تا اینکه صدای گریه داداش را می‌شنود، خوشحال می‌شود و به سراغش می‌رود، اما کسی در اتاق نیست، بعد از چند لحظه داداش را ناز می‌کند و لپش را می‌بوسد، مادر بزرگ و خاله نرگس از راه می‌رسند و می‌گویند به‌به چه دختری مثل دسته گل است! مثل ماه تو آسمان است؛ سحر خوشحال می‌شود و می‌فهمد که او هم عزیز است، از آن به بعد نگران بود که ماشین‌ها بوق بزنند، پیشی‌ها می‌کنند و کلاغ‌ها قار بزنند (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۰، نوآموز ۲، ش ۱۵۶: ۴).

بررسی: نویسنده زن از شخصیت دختر برای بیان حسادت فرزندان نسبت به یکدیگر استفاده کرده است.

خیال‌پردازی

- نام داستان: بادسواری

خلاصه داستان: قصه دختری که ایستاده و خداحافظی برگ‌های پاییزی را می‌بیند که ناگهان باد روسری‌اش را تکان می‌دهد و از او دعوت می‌کند که همراهش برود، او سوار باد می‌شود و با هم گشت‌وگذار می‌کنند؛ دخترک در این بادسواری متوجه بعضی قدرت‌های باد می‌شود (خردور، ۱۳۸۶، نوآموز ۱، ش ۲۹: ۲۰۶).

بررسی: نویسنده خانم برای پیشبرد قصه در مسیر خیال و رؤیا از جنسیت مؤنث استفاده کرده است.

طرحواره‌های مردانه

بداخلاق و عصبانیت

- نام داستان: آقای اخمو

خلاصه داستان: قصه یک ساعت زنگدار که اسمش آقای اخمو است و سبیل هایش نیز همان عقربه‌های ساعت هستند (الوندی، ۱۳۹۳: نوآموز ۱، ش ۲۶۳: ۱۵).

بررسی: نویسنده آقا برای شخصیت کج خلق قصه از جنسیت مذکر استفاده کرده است.

- نام داستان: هیس! ساکت!

خلاصه داستان: قصه درمورد مردی به نام عمو هیس است که از صداهای طبیعت مثل جیک جیک پرندگان، وز وز مگس و صدای باد عصبانی می‌شود و می‌خواهد صدای همه آن‌ها را از بین ببرد، اما باد با او لج می‌کند و همه‌جا را به هم می‌ریزد، تا اینکه مرد با شرایط کنار می‌آید و از آن لذت می‌برد (لاکه، ۱۳۹۴، نوآموز ۱، ش ۲۷۲: ۳).

توضیح: نویسنده خانم از جنسیت مذکر به عنوان شخصیت بداخلاق استفاده کرده است. عمو هیس از هر صدایی عصبانی می‌شود تا اینکه مجبور می‌شود در برابر طبیعت تسلیم شود.

نکته قابل توجه این است که هم نویسندگان آقا و هم نویسندگان خانم برای شخصیت بداخلاق و عصبانی از جنسیت مذکر استفاده می‌کنند و تا جایی که ما مشاهده کردیم خلاف این دیده نشد.

بی‌نظمی

- نام داستان: قلقلی سبزک و زباله‌های مفید

خلاصه داستان: قلقلی سبزک در آسمان می‌چرخد تا جلوی در خانه امیر می‌رسد که می‌بیند جلوی در، کنار درخت پر از زباله است، از آنجا بالا می‌رود و می‌بیند که امیر گوشه حیاط نشسته، گاهی از دفترش کاغذ می‌کند و با آن موشک درست می‌کند و به وسط حیاط پرت می‌کند، قلقلی او را سرزنش می‌کند که این کاغذها از همین درختی که زیر سایه آن نشستی درست شده و برای ساخت یک دفترچه درخت‌های زیادی از بین می‌روند. او به امیر می‌گوید که کاغذها را صاف کند و برای حل مسئله از آن‌ها استفاده کند، همچنین می‌تواند با کاغذهای به درد نخور مقوا درست کند (راستانی، ۱۳۸۰، نوآموز ۲، ش ۱۵۶: ۱۴).

بررسی: نویسنده خانم برای آموزش مسائل زیست محیطی یک شخصیت خطاکار با جنسیت مذکر خلق کرده است.

- نام داستان: قلقلی سبزک، دوست دار زمین

خلاصه داستان: فصل زمستان رسیده، دانه‌های برف زمین را پوشانده‌اند، قلقلی سبزک خوشحال و راضی در آسمان می‌چرخد که متوجه می‌شود از پنجره یک خانه گرمای زیادی بیرون می‌آید، نزدیک می‌شود و از شدت گرما سرش گیج می‌رود و به داخل خانه می‌رود، سپهر صدایی می‌شنود و با عجله به اتاق می‌آید، قلقلی را می‌بیند که کف اتاق افتاده، قلقلی او را سرزنش می‌کند که این همه انرژی که به‌سختی به‌دست می‌آید و روزی تمام می‌شود، دارد هدر می‌رود و اینکه سپهر باید در فصل زمستان لباس گرم بپوشد، نه آستین کوتاه، او به سپهر و مادرش یاد می‌دهد که چگونه از اتلاف انرژی جلوگیری کنند و لای درز در و پنجره را ببندند (راستانی، ۱۳۸۰، نوآموز ۴، ش ۱۵۸: ۸).

بررسی: نویسنده خانم برای بیان مسائل زیست محیطی و ارائه یک شخصیت بی‌نظم و خطاکار از جنسیت مذکر استفاده کرده است.

پرداختن به کارهای یدی و سخت

کلیشه یا حقیقت دیگری که با آن روبه‌رو هستیم به شکار رفتن پدر و پسر خانواده است که خیلی هم عجیب نیست، چراکه نمی‌توان قدرت بدنی ضعیف‌تر زن را نسبت به مرد نادیده گرفت و فیزیک خلقت او را فراموش کرد. از همان روزگار پیشین انسان‌های اولیه هم برای پیشبرد مقاصد زندگی خود از چنین اعمالی استفاده می‌کردند. طبیعتاً زنان در برابر حیوانات و عوامل محیطی از دفاع کمتری نسبت به خود برخوردار بودند و نیاز به مراقبت بیشتری داشتند و علاوه بر این‌ها نمی‌توان برای مرد و زن دقیقاً نقشی عین هم تعیین نمود و به راحتی به زندگی اجتماعی ادامه داد، چراکه ادامه حیات بشر نیاز به تولید مثل و پرورش نسل دارد و این وظیفه به هر حال باید به یک جنس تعلق گیرد. حال ویژگی‌های جسمانی و روانی زن به گونه‌ای است که برای این وظیفه مناسب‌تر می‌نماید و با قانون خلقت هماهنگ‌تر است.

- نام داستان: مسابقه

خلاصه داستان: قصه کدوی بزرگی به نام دامبولی که در مزرعه زندگی می‌کند. آقای بیل هر روز در مزرعه می‌گردد و علف‌های هرز را جمع می‌کند، او به دامبولی می‌گوید که جشن نزدیک است و او می‌تواند در جشن برنده شود، اما دامبولی غصه می‌خورد و می‌خواهد کاری کند، همه می‌گویند که دامبولی دیگر کدوها را خشک کرده و خودش چاق و چله شده، چند روزی از او خبری نمی‌شود تا اینکه می‌بیند یک سنگ بزرگ جلوی راه آب مزرعه را گرفته است، دامبولی که حالا دیگر پوستش ترک خورده و طراوت گذشته را ندارد، می‌گوید خودش را پشت سنگ رسانده که آب کمتری به او برسد و دیگر کدوها هم رشد کنند، اما آقای فرغون می‌گوید که او باز هم برنده است، چون او مهربان‌ترین کدو حلوابی مزرعه است (ماهوتی، ۱۳۸۵، نوآموز ۳، ش ۲۰۰: ۱۴).

توضیح: نویسنده خانم به ترویج همدلی، همکاری، کمک و نوع‌دوستی پرداخته است. از شخصیت‌های او آقای بیل و آقای فرغون هستند که از حیث ظاهر شغل که به نظر مردانه می‌آید، با عنوان آقا از آن‌ها یاد می‌شود که از حیث سختی شغل یدی و انجام آن بیرون از منزل به عنوان شغلی مردانه و شاید هم کلیشه‌ای مردانه شناخته می‌شود.

کنجکاو علمی

- نام داستان: چه کسی ستاره‌ها را می‌شناسد

خلاصه داستان: یک داستان آموزشی درباره علم ستاره‌شناسی و مکان‌های ستاره‌شناسی ایران و تهران است. فرید پسر خانواده موقع دیدن کارتون متوجه آقای ستاره‌شناس می‌شود و درباره او و شغلش از مادر پرس‌وجو می‌کند و مادرش هم درباره این شغل و ابزارهای آن و مکان‌های ستاره‌شناسی ایران به فرید توضیح می‌دهد (مهربد، ۱۳۸۱، نوآموز ۲، ش ۲۴: ۱۶۴).

بررسی: نویسنده خانم برای معرفی علم نجوم یک شخصیت کنجکاو پسرانه خلق کرده است.

تحلیل کلی

بر هر جامعه‌ای فضایی حاکم است که آن فضا برای جامعه دیگر غریب می‌نماید و تاریخ و فرهنگ هر کشوری خاص همان کشور است، بنابراین می‌توان این نتیجه را گرفت که نمی‌توان یک قاعده کلی برای خلق و نوشتن اثر کودک و نوجوان در نظر گرفت، بلکه فضای حاکم بر هر جامعه نوعی از هنر را می‌طلبد. برای مثال کشور ما نمونه جامعه دینی و مردم سالاری است. نمی‌توان کتابی نوشت که هیچ‌یک از آرمان‌ها و عقاید مردم ایران در آن نباشد و در پی آن پیامی نیز نداشته باشد، اما بتواند به خوبی احساس لذت ادبی به خواننده ببخشد. تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد نمی‌تواند و نمی‌بایست دلیل برتری یکی بر دیگری شود. این تفاوت‌ها باید منشأ حقوق و تکالیف متناسب با آن باشد. نهضت زنان خواست زنان را مرد کند، چون مردان را ناخواسته موجود برتر می‌دیدند. عبارت رایج زن مانند مرد این‌طور نشان می‌دهد که مرد اصل است و زن فرع و این خود نشان از نقص زن است و برای جبران این

نقص زن باید مرد شود. در حالی که چنین چیزی در اسلام نیست و هریک از زن و مرد باید در مسیر اصلی خود گام بردارند تا به کمال برسند (فتاحی زاده، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۵). درحقیقت این زنان هستند که مردان بزرگ را تربیت می‌کنند و به مراتب بالای کمال انسانی می‌رسانند، لذا نباید کار تربیت نفس‌ها را امری بی‌ارزش و پست دانست. اگر بخواهیم به اصل حقوق زنان توجه کنیم، باید ابتدا قدرت طبیعی و فطری آن‌ها را ارج نهیم آنگاه در پی فعالیت‌های متنوع‌تر آنان باشیم.

آسیب‌شناسی

کلیشه‌های موجود در این داستان‌ها همان باورهای همیشگی در مورد زن بودن یا مرد بودن است، زن‌ها همیشه در خانه هستند، همیشه صدای آن‌ها از آشپزخانه می‌آید، تشری درست می‌کنند و آش می‌پزند، حتی ننه سرما هم برای دیوها آشنیزی می‌کند. هر جا که برای فرزند مشکلی پیش بیاید این مادرها هستند که به سراغ او می‌روند و حتی قبل از آن اطرافیان فقط سراغ مادر فرزند را می‌گیرند. در این موارد ما به شدت با فقدان نقش حمایتی پدر روبه‌رو هستیم و این خود یک آسیب جدی برای روحیه کودک است، چراکه هر جا صحبت از مهربانی، دلسوزی و حمایت است، تنها نام مادر بر زبان می‌آید و تنها وقتی از پدران صحبت می‌شود که از اداره آمده‌اند و در حال پرداخت مخارج زندگی هستند، یا اینکه خرید کرده‌اند و به منزل می‌آیند.

تصویری که از دختران و پسران یا به عبارتی پدران و مادران فردای این مرز و بوم ارائه می‌شود، کلیشه‌ای شده و مدام تکرار می‌شود. دختران همواره احساساتی، مؤدب، مهربان، بانظم و نوع‌دوست هستند و می‌توانند در رفع مشکل دیگران کمک می‌کنند. همچنان ترس و گریه هم از صفات بارز دختران است و در مقابل پسران خشمگین، بداخلاق، درس‌نخوان، بی‌نظم و شلخته هستند. این روند تکرار و تثبیت کلیشه‌ها باعث می‌شود کودکان با کدهای دریافت شده از جانب بزرگسالان به سمت مسئولیت‌های آینده سوق داده شوند و دنیای بزرگسالی را زودتر از موعد لمس کنند. این کلیشه‌سازی جنسی و محدود کردن شخصیت کودکان به دختر و پسر بودن خلایق و رشد فکری و عقلی آن‌ها را دستخوش تغییر می‌کند. به گونه‌ای که ممکن است آنان نسبت به امری کنجکاو و ماجراجو باشند، اما در پی زنانه یا مردان شناخته شدن آن امر در پی آن نروند و قوه آن‌ها بالفعل نشود، اما به تدریج از این روند کاسته شده و داستان‌ها به سمتی می‌روند که در آن‌ها نه تنها خبری از کلیشه نیست، بلکه خبری از جنسیت هم نیست و عملاً همه داستان‌ها با جنسیت خنثی خلق می‌شوند.

نتیجه‌گیری

از بین تعداد داستانی که مورد بررسی قرار گرفتند، تقریباً تمامی داستان‌های کلیشه‌دار یا اقلان‌ها که دارای کلیشه‌های بارز بودند و نمود آشکارتری داشتند، در این پژوهش ذکر شد. ما دریافتیم بیشترین کلیشه‌سازی از جانب نویسندگان زن صورت گرفته است که خود سازنده یا تکرار کننده کلیشه‌های همیشگی زنان بودند. در این بین زنان برای مردان و مردان برای زنان نیز گاهی دست به تکرار کلیشه‌ها زده بودند. این آمار در دهه هشتاد بسیار چشمگیرتر است؛ چنانکه با ورود به دهه نود سیر صعودی کلیشه‌سازی زنان کاهش پیدا می‌کند و نویسندگان زن و مرد به سمت تعادل پیش می‌روند و حتی گاهی مردان در کلیشه‌سازی پیشی می‌گیرند، اما اغلب داستان‌ها با جنسیت خنثی شکل می‌گیرند و دیگر خبری از جنسیت و نقش‌های جنسیتی نیست و به نظر می‌آید کم‌کم اصل لذت ادبی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته جالب توجه در مجموع داستان‌ها این بود که نویسندگان مرد اگر هم به کلیشه‌سازی جنس مخالف پرداختند، عموماً راوی صفات مثبت دخترانه بودند و بالعکس نویسندگان زن از ویژگی‌های منفی پسران همچون بی‌نظمی و شلختگی برای پیشبرد داستان بهره بردند. نویسندگان این داستان‌ها زنان یا مردانی هستند که به اجتماع راه یافته و خود را از باورهای کلیشه‌ای جدا کرده و به درجه‌ای بالاتر از کمال رسیده‌اند، اما باز آنچه که در حال فرهنگ‌سازی آن برای کودکان و نوجوانان هستند، همین کلیشه‌هایی است که در صورت تکرار و تثبیت بعضاً مانع پیشرفت در زمینه‌های مختلف شود. مثلاً می‌توان پسران را نیز درس‌خوان و مؤدب و جلوه داد، دختران را به کنجکاو و بیشتر علمی سوق داد، پسران را در کارهای خانه دخیل کرد و دختران از اخلاق حساس و زودرنجشان به تحمل و بی‌اعتنایی بیشتر به مسائل ساده سوق داد.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمان‌زاده، معصومه. (۱۳۸۲). بصیرت دانشگاه آزاد. ش ۳۰ و ۳۱.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۴). بنیادهای ادبیات کودک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سفیری، خدیجه و منصوریان رواندی، فاطمه. (۱۳۹۴). «کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی». مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۱۳. ش ۲.
- جلالی، مریم (۱۳۹۵). «نویسنده، متن و مخاطب». نشریه تخصصی ادبیات کودک و نوجوان. سال اول. ص ۶۷.
- جمالی، عاطفه و خجسته، فرامرز. (۱۳۹۳). «بررسی کارکرد فانتزی در کلیشه‌زدایی». مطالعات ادبیات کودک. ش ۹.
- حسینی، سیدحسین و دشتی، منصوره. (۱۳۹۱). «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل‌احمد». مجله جهانی رسانه. دوره ۷. ش پیاپی ۱۳.
- حسینی‌نسب، داود. (۱۳۷۲). «نقش‌آموزی جنسیت و تفاوت‌های جنسیت در ادبیات کودکان». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. صص ۱۴۶ و ۱۴۷.
- حاجی نصراله، شکوه. (۱۳۸۰). «شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های داستان ترجمه». کتاب ماه کودک و نوجوان. ش ۴۹.
- خسروی، زهره. (۱۳۸۲). مبانی روانشناختی جنسیت. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی، محمداسماعیل. (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی». پژوهش زنان. ش ۶.
- رتیز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در ایران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی التفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امن‌خانی، عیسی و خوجه، عایشه. (۱۳۹۵). «ادبیات کودک و ایدئولوژی‌های معاصر». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۴۲.
- فتاحی‌زاده، فتحیه و افسردیر، حسین. (۱۳۹۳). «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دایره‌المعارف قرآن لیدن». مطالعات زن و خانواده. دوره ۲. ش ۲.
- نظری، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی جنسیت در داستان‌نامه‌هایی به آقا غوله». مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز. سال چهارم. ش ۱. بهار و تابستان ۹۲. پیاپی ۷.
- کارتر. (۱۳۸۲). جنسیت، فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته سر ویراستارم. ترجمه پ. یزدانی. تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گولومبک، سوزان و فی‌وش، رابین. (۱۳۷۷). رشد جنسیت. ترجمه مهرناز شهرآرای. تهران: ققنوس.
- محمدی، محمد. (۱۳۷۸). «ادبیات کودک چیست». کتاب ماه کودک و نوجوان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
- مقصودی، سوده، تندولی، سمیرا. (۱۳۹۳). «جنسیت و نقش‌های اجتماعی در مجلات کودکان». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۳. ش ۱.
- مستقیمی، مهدیه سادات. (۱۳۹۱). «تحلیل رابطه تربیت اخلاقی و جنسیت مبتنی بر انسان‌شناسی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی». حکمت اسراء. ش ۱۳.
- مویر، آن و جسل، دیوید. (۱۳۹۲). جنسیت مغز: تفاوت‌های واقعی میان زنان و مردان. ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: درسا.

- نعمتی، آزاده. (۱۳۸۲). «تحلیلی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان تحقیقی در جامعه‌شناسی زبان». مجله دانشگاه علوم انسانی. ش ۵.
- نوشین‌فرو، ویدا. (۱۳۹۰). «زبان و جنسیت». مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی بیرجند. سال ۲. ش ۲.
- نیکویخت، ناصر و دیگران. (۱۳۹۱). «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی». فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی. سال ۵. ش ۱۸.
- هولمز، ماری. (۱۳۸۷). جنسیت در زندگی روزمره. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نشر نقد افکار.

فهرست مطالب مندرج در نشریات

- ابوهاشم، مهدی. (۱۳۹۰). نوآموز ۴. ش ۲۴۱.
- امیرابراهیمی، ترانه. (۱۳۸۲). نوآموز ۳. ش ۱۷۳.
- _____ . (۱۳۸۲). نوآموز ۶. ش ۱۷۶.
- حدادی، هدی. (۱۳۸۹). نوآموز ۳. ش ۲۳۲.
- حسن‌زاده، علی. (۱۳۸۳). نوآموز ۵. ش ۱۸۴.
- خداجو، فروزنده. (۱۳۸۹). نوآموز ۵. ش ۲۳۴.
- خردور، طاهره. (۱۳۸۶). نوآموز ۱. ش ۲۰۶.
- راستانی، ژاله. (۱۳۸۰). نوآموز ۲. ش _____.
- _____ . (۱۳۸۰). نوآموز ۳. ش ۱۵۷.
- _____ . (۱۳۸۰). نوآموز ۴. ش ۱۵۸.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۸۱). نوآموز ۷. ش ۱۶۱.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۰). نوآموز ۲. ش ۱۵۶.
- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۸۰). نوآموز ۱. ش ۱۵۵.
- کلهر، فریبا. (۱۳۸۴). نوآموز ۳. ش ۱۹۱.
- ماهوتی، مهری. (۱۳۸۳). نوآموز ۲. ش ۱۸۱.
- _____ . (۱۳۸۵). نوآموز ۳. ش ۲۰۰.
- متولی، علیرضا. (۱۳۹۰). نوآموز ۱. ش ۲۳۸.
- مرادی لاکه، یگانه. (۱۳۹۴). نوآموز ۱. ش ۲۷۲.
- _____ . (۱۳۹۴). نوآموز ۸. ش ۲۷۰.
- مهرید، ترانه. (۱۳۸۱). نوآموز ۲. ش ۱۶۴.